

با ناصر چشم آذر و ناصر عبدالهی در ماه تولدشان

هم نامان خاطره ساز

روح موسیقی چشم آذر در متن فیلم‌های ایرانی

موسیقی ای که چشم آذر برای فیلم‌های ساخت معروف‌تر از خود فیلم‌ها بود. این نابغه موسیقی از سال ۱۳۶۳ به صورت رسمی کار خود را در موسیقی فیلم، با فیلم «تاراج» به کارگردانی ایرج قادری آغاز کرد. اما شاید معروف‌ترین و شاخص‌ترین کار او در زمینه موسیقی فیلم، ساخت موسیقی فیلم «هامون» با کارگردانی داریوش مهرجویی و بازی خسرو شکیبایی باشد. ناصر چشم آذر برای ساخت موسیقی متن فیلم «هامون» برنده سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن در هشتمین دوره از جشنواره فیلم فجر شد. چشم آذر پس از «هامون»، برای پروژه «قصه‌های مجید» با داریوش مهرجویی همکاری کرد. پس از آن هم برای اولین بار با تهمینه میلانی برای فیلم «دیگه چه خبر؟!» همکاری کرد. پس از تهمینه میلانی نوبت به دومین همکاری با ایرج قادری و این بار در فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» رسید. او در سال ۱۳۷۴ در همکاری دوباره با کیومرث پوراحمد و خسرو شکیبایی موسیقی متن فیلم «خواهران غریب» را خلق کرد. موسیقی متن فیلم «خواهران غریب» برنده سیمرغ بلورین در چهاردهمین دوره از جشنواره فجر شد و موسیقی متن این فیلم در جشنواره فیلم مالزی هم به عنوان بهترین موسیقی متن انتخاب شد. چشم آذر پس از همکاری با کارگردان‌های مختلف، در سال ۱۳۸۱ وظیفه آهنگسازی سریال «خواب و بیدار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده را برعهده گرفت. چشم آذر در سال ۱۳۸۲ اولین همکاری‌اش را با پوران درخشنده در پروژه «شعی در باد» تجربه کرد و پس از آن در سال ۱۳۸۴ نوبت به همکاری دوباره با تهمینه میلانی رسیده بود؛ جایی که او این بار وظیفه آهنگسازی فیلم «آتش بس» را برعهده گرفت. کارگردان‌هایی مانند سیروس الوند، داریوش مهرجویی و تهمینه میلانی همکاری‌های قابل توجهی با او داشته‌اند. چشم آذر در کارنامه‌اش سابقه همکاری با عباس کیارستمی را هم دارد. طبق اعلام خودش، او و کیارستمی برای چند فیلم کوتاه دودقیقه‌ای باهم همکاری کرده‌اند.

طلوع سنگین اردیبهشت

ناصر چشم آذر بامداد جمعه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. مراسم یادبود ناصر چشم آذر در مجتمع فرهنگی پیامبر اعظم (ص) تهران با حضور بسیاری از هنرمندان و هنردوستان برگزار شد در این مراسم رعنا چشم آذر دختر ناصر چشم آذر به یاد پدرش آواز خواند.

تا ابد خاموش

ناصر عبدالهی در سوم آذرماه ۱۳۸۵ در بندرعباس به دلایل نامشخصی بی‌هوش شد و به کما رفت. به گفته بسیاری او توسط شخصی بنا به دلایل شخصی با ضربات چاقو کشته شده است. او پس از گذراندن ۲۶ روز در کما سرانجام روز ۲۹ آذر ۱۳۸۵ و در ۳۵ سالگی در بیمارستان هاشمی نژاد تهران درگذشت و در زادگاهش بندرعباس به خاک سپرده شد. تا سال‌ها شایعات فراوانی درباره علت مرگ وی وجود داشت و همچنان این موضوع در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

پدر موسیقی فیلم‌های ایرانی

در کودکی ساز آکاردئون را برگزید و در سایه آموزش‌های پدرش اسماعیل چشم آذر مراحل اولیه موسیقی را فرا گرفت. در ۱۲ سالگی به همراه پدرش وارد ارکستر آذربایجانی رادیو ایران شد و در ۱۳ سالگی جایزه ویژه موسیقی را در مقطع دبیرستانی به خاطر نواختن آکاردئون دریافت کرد. در ۱۷ سالگی رهبری کنسرت ترتیب داده شده در سفارت ایران در عراق را برعهده گرفت. در ۲۰ سالگی برای گذراندن دوره جاز به آمریکا رفت و پس از بازگشت سرپرستی ارکستر شوی تلویزیونی پرویز قریب‌افشار را به عهده گرفت. در محضر استادانی چون مرتضی حنانه، ملیک اصلانیان دوره‌های تکمیلی را سپری کرد. در سال ۱۳۵۷ به مدت پنج سال جهت تکمیل دوره موسیقی جاز و موسیقی فیلم به آمریکا مسافرت کرد. وی از پیشگامان سازهای الکترونیک در ایران بود. «باران عشق» یکی از آثار معروف اوست پس از بازگشت به ایران از سال ۱۳۶۳ و با ساخت موسیقی متن فیلم «تاراج» به کارگردانی ایرج قادری فعالیت خود را در زمینه موسیقی فیلم آغاز کرد. از آلبوم‌های این موسیقیدان شهیر می‌توان به «تو برقص»، «شکوفه‌های ایران»، «خواهران غریب»، «شب‌های تهران»، «رقص‌های شاد»، «باران شادی ۱ و ۲ و ۳»، «طلوع عشق» و «باران عشق» اشاره کرد.

«ناصریا» شبیه خود ناصر است

پس از ارائه ترانه «ناصریا» منتقدان عبدالهی گفتند که این کاری اسپانیایی است و از ملودی‌های جیبسی کینگ برگرفته شده است، اما او معتقد بود که چنین نیست، و این کار ریتم عربی دارد، ریتمی که بارها با سازهای دیگری نظیر عود، دهل و دف نواخته شده بود. این کار تاکنون هرگز با گیتار نواخته نشده بود، اما عبدالهی این کار را انجام داد. ملودی ترانه «ناصریا» سال ۱۳۷۶ ساخته شد. شعر این آهنگ به گویش بندری است و به گفته عبدالهی هدف از ساخت آن اعتراض ضدظلم در جهان و نیز همدردی با ستمدیدگان جهان بوده است. براساس متن شعر «ناصریا» اگر کسی قصد یاری مظلومی را داشته باشد پس از تحمل سختی بسیار و دشواری‌های این راه در پایان پیروز خواهد شد.

فاطمه فلاح

گزارش

موسیقی و نت‌های هماهنگ همیشه ایام جایگاه خود را در بین علاقمندان داشته است؛ اما برخی آثار از جایگاه ویژه‌تری برخوردارند آن هم به دلیل نوع نگاه و سلیقه سازندگانشان؛ اولین ماه زمستان زادروز دو هنرمند خاطره‌ساز و هم‌نام را در خود جا داده است؛ ناصر چشم آذر و ناصر عبدالهی؛ به همین بهانه نگاهی به زندگی هنری این دو هنرمند سفر کرده داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تو صدای بندر بودی!

همه جنوبی‌ها خونگرم‌اند مخصوصاً اگر اهل بندرعباس و بچه محله سیدکامل باشند. یکی از همین بندری‌های اصل سیدکامل، ناصر عبدالهی با آن صدای گرم بندری‌اش بود. او از ۱۳ سالگی به موسیقی علاقه‌مند شد. فعالیت‌های هنری خود را از سال‌های نوجوانی در صداوسیما و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان هرمزگان آغاز کرد. «ناصریا» ترانه‌ای بود که را به شهرت رساند. در سال ۱۳۷۵ همراه با همسرش به تهران آمد. محمدعلی بهمنی وی را به انتشارات داریوش معرفی کرد. پس از آن آلبوم‌های «عشق است» و «دوستت دارم» ناصر را این انتشارات ضبط و منتشر کرد. ناصر با انتشارات فوق دچار اختلافاتی شد. پس از آن آلبوم‌های «بوی شر چی» توسط انتشارات شمیم جنوب، «هوای هوا» و «ماندگار» توسط انتشارات آوای نکیسا و پس از مرگ او، آلبوم «رخصت» توسط انتشارات آوای مهر میهن به بازار روانه شد. بیشتر اشعار ترانه‌های آغازین او از سروده‌های محمدعلی بهمنی بود. به گفته خودش او در کار موسیقی تحت تأثیر سبک موسیقی ابراهیم منصفی بود. طوری که در سال‌های آغازین کار هنری ترانه‌های منصفی را بازخوانی می‌کرد.

ترانه‌های مورد انتخاب او در آلبوم‌هایش عمدتاً دارای مفاهیم اجتماعی و حماسی (مانند ترانه‌های «یادم باشد»، «کودکان خیابانی»، «سربلند» و «شیوه ما»، مذهبی مانند ترانه‌های «مهر علی و زهرا»، «احمد ثانی»، «یا فاطمه» و «مهر دلبر» و عاشقانه مانند ترانه‌های «تو ای عشق»، «ماه من»، «بهت نگفتم» و «راز» بودند.

«باران عشق» چگونه باریدن کرد؟

قطعه اعجاب‌انگیز و دلنشین «باران عشق» را کمتر کسی است که نشنیده باشد؛ چرا که از دل برآمده و به همین دلیل است که بر دل هم می‌نشیند. خود او درباره آفرینش این اثر دل‌انگیز چنین نقل کرده است: یک بار در منزل آقای صالح‌علا نشسته بودیم و او به من گفت ناصر این طور که نمی‌شود، باید کاری بسازی و لباس دیگری بر تن موسیقی پاپ کنی. من هم وقتی سفارش این کار را گرفتم خیلی در این فکر بودم که چه کنم سر ساز قالب موسیقی پاپ در نیورم؛ اما روند کار طوری باشد که بکر و تازه باشد. چند ماهی فکر مشغول بود و در نهایت به این فضا نزدیک شدم. اعتقاد من این بود که «باران عشق» هست، فقط کافی است کسی آن را پیدا کند، مثل خیلی چیزهای دیگر که در عالم وجود دارد و باید آن‌ها را کشف کرد.